



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۰۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



گزارش صبا درباره بازیگرانی که روزگاری سوپرستار بودند حجار، فروتن و پطروسیان؛ ستاره‌های فراموشی شده

محمدرضا فروتن

کسی آخرین حضور جدی محمدرضا فروتن در سینمای ایران را در خاطرش هست؟ جوان اول دهه‌های هفتاد و هشتاد خورشیدی، هر چه به میانسالی نزدیک‌تر شد، کیفیت کارنامه‌اش لاغر و لاغرتر شد. فروتن انتخاب اول کارگردانی چون مسعود کیمیایی و زنده‌یاد کیومرث پوراحمد و رخشان بنی‌اعتماد و فریدون جیرانی و احمد رضا درویش بود. بازی‌اش در فیلم «شب‌یلدا» ی پوراحمد احتمالا بارها و بارها دیده شده است. بازی در نقش «حامد» که حدیث نفس خود کارگردان بود، یا «عباس» کارگر تولیدی پوشاک در فیلم «زیر پوست شهر» رخشان بنی‌اعتماد، یا بازی‌اش در فیلم «دو زن» تهمینه میلانی و در نقش حسن، جوان لات و غیرتی که مدام در مسیر زنی قرار می‌گیرد و غیرت و عشقش در یک چاقو خلاصه شده است! یا نقش ناصر ملک، شوهر هستی مشرقی در فیلم «قرمز» فریدون جیرانی که احتمالا بیش از هر کار دیگری از جیرانی، در سینماها دیده شد. فروتن در آغاز دهه هشتاد خورشیدی با انتخاب‌هایش نشان داد که بازیگری برای او مقوله‌ای جدی است. حضور در فیلم «باغ‌های کندلوس» زنده‌یاد ایرج کریمی، «توبوس شب» کیومرث پوراحمد، «کنعان» مانی حقیقی «پستچی سه بار نمی‌زند» حسن فتحی و «محاکمه در خیابان» مسعود کیمیایی، و بی تفاوتی به اندازه‌ی نقش، ابعاد دیگری از بلوغ بازیگری او را نشان داد. هر چند که در میان این فهرست سه‌گانه، از میترا حجار تا ماهایا پطروسیان، فروتن بعد از مدت‌ها، فیلم‌امیدوار کننده‌ای چون «بت» ساخته حمید نعمت‌الله را بعد از سه سال دوری از سینما، در مسیر اکران دارد، اما پیگیری بازیگرانی که مدت‌هاست از آنها خبر جدی نیست، می‌تواند هشدار باشد برای سینمای ایران. نه به حضور دائمی تعدادی از بازیگران در تمام تولیدات پلتفرم‌ها، از رتالیته‌ی شو و مسابقه تا سریال و تکرار چندین باره خود در تمام این برنامه‌ها و نه به این بی‌خبری از کسانی که همین وهله، ستاره سینمای ما بودند. این می‌تواند هشدار هم برای جوانان تازه‌ورود کرده به سینمای ما باشد، که می‌شود ناگهانی و در کمال ناباوری، آنچنان که حق و جایگاه شماس، دیده نشود! / صباخبر

در خشان اوست. به ترتیب به پنج فیلم نخست پطروسیان توجه کنید: «عشق و مرگ»، «پرده آخر»، «ناصرالدین شاه آکتور سینما»، «دیگه چه خبر؟» و «هنر پیشه». بدون تعاریف و تعارف‌های معمول، تعدادی از این فیلم‌ها از پس سالیان موفق بیرون آمده و از آثار ماندگار تاریخ سینمای ما محسوب می‌شوند. فارغ از اینها، بازیگران جذب شده به سینمای ایران در همان دهه‌های شصت و هفتاد خورشیدی، برآمده از تئاتر بودند. خاک صحنه خورده و خود را بارها و بارها اثبات کرده بودند. در سال‌هایی که تئاتر هیبت و قدرت داشت و ورود به آن کار هر نو رسیده‌ای نبود. کارگردانی در تئاتر نیاز به کلی سواد و اندوخته داشت و بازیگری در آن به راحتی ممکن نبود. در میانه دهه هفتاد خورشیدی، نمایشی در سالن اصلی مجموعه تئاتر شهر به روی صحنه رفت که پس از مدتها مردم را برای تماشايش مقابل تئاتر شهر كشاند. این میزان استقبال به حدی بود که کار به خبر و گزارش در روزنامه‌های آن روزها رسید. صف‌های طویل مردم برای دیدن نمایش «عشق آباد»، نوشته و کار داوود میرباقری، در حافظه تئاتر ایران ثبت شد. گروه بازیگرانش هم ترکیبی بود از استخوان خرد کرده‌ها و جوانان جو‌بای نام. از زنده‌یاد سیروس گرجستانی تا پرویز پرستویی و رسول نجفی‌ان تا فرهاد اصلانی جوان. اما دخترک پر شروشوری در نقش «نرگسی» صحنه را به آتش می‌کشید. داستان غم‌انگیز تیمارستانی که دکترش (پرویز پرستویی) برای درمان بیماران از شیوه تئاتر درمانی استفاده می‌کند و ریاست تیمارستان (سیروس گرجستانی) با آن مخالف بود. دختر و پسر جوان و عاشق پیشه‌ای میان این بیماران بودند، فرهاد اصلانی و ماهایا پطروسیان در نقش نرگسی! اینکه سینمای ایران چگونه توانست این دخترک پر شروشور و پر از استعداد و خلاقیت را در طی سالهای اخیر اینگونه نادیده بگیرد، احتمالا حدیث مفصلی است! اما واقعا، و در میانه حضور بازیگرانی که آشکارا ناتوانی آنها مشخص است، ماهایا پطروسیان کجاست؟

سعید قاضی‌نژاد گفت و گو در این نوشتار قصد داریم تا به ستارگانی بپردازیم که به شکل عجیبی دیگر در سینمای ما حضور ندارند. ستارگان همین سال‌های اخیر، که حضورشان تضمین فروش بود. اما به شکلی ناگهانی در سینمای این سالها حضور ندارند. انتخاب این سه چهره دشوار نبود. بازیگران سیمرغ گرفته و درخشانی که در انواع ژانرها حضوری موفق داشتند.

میترا حجار

برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن هجدهمین جشنواره فیلم فجر و یکی از ستارگان سینمای ایران، آخرین بار، در «بی‌مادر» حضور داشت. ستاره دهه‌های هفتاد و هشتاد خورشیدی آنقدر نگاه متفاوتی به بازیگری داشت که در میانه شلوغی کارها و سیل پیشنهادات، قید همه چیز را زد و مهاجرت کرد. بازیگر آثار بهرام بیضایی و مسعود کیمیایی، چند سالی می‌شود که خودخواسته یا ناخواسته، از مناسبات سینمای این سالها دور مانده است. این روحیه رها کردن و رفتن و به دنبال ناشناخته‌ها بودن در او هست. اما این بار بیشتر از اینکه خودخواسته به نظر برسد، شبیه نادیده گرفتن‌های تعمدی است. او که در سال‌های اول حضورش و مثلا در نخستین تجربه همکاری با مسعود کیمیایی در «فریاد» با تمام وجودش حضور پیدا کرده بود، با همین روحیه و جنگندگی در «متولد ماه مهر» احمد رضا درویش هم حضور پیدا کرد. دانشجویی خستگی‌ناپذیر، با سوال‌هایی بی‌شمار. آنهم درست در اواخر دهه هفتاد خورشیدی که جنبش‌های دانشجویی داخل کشور، پر شور جلوه می‌کردند. بازی و تصویر او که پر سوال و کنجکاو در میانه دانشجویان ایستاده بود، تصویر ماندگار دوران خودش شد. تصویر جنبش دانشجویی در اواخر دهه هفتاد خورشیدی در ایران.

ماهایا پطروسیان

شروع بازیگری ماهایا پطروسیان در سینمای ایران و چند فیلم نخستش یادآور شروع بازیگری آل پاچینو و چند فیلم نخست

